



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۹ اگست ۲۰۲۱

ملالی موسی نظام

به ارتباط "همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم"

با استعمال وسیع وسایل گوناگون انترنتی، دسترسی به اخبار و موضوعات مختلفه ایکه میدیای جهانی منجمله وبسایت های افغانی منتشر می نمایند، آسانتر از آب خوردن است. در پهلوی آتشی که در وطن و خانمان ملت مظلوم و بی دفاع افغان ذریعۀ وحشی ترین و بی مروت ترین گروه آدمکشان جهان بصورت روز افزون مشتعل گردیده است، هیهات که موضوعات نهایت بی اهمیت و پیش پا افتاده بین اجتماعات دیگری از مردم افغانستان که در خارج و در شرائط امن و رفاه تشریف دارند، کسب شدت نموده و به جنجال ها، هتک حرمت، پامال کرامت انسانی که باید از تعرض مصئون باشد و زد و خورد های تأسف باری مبدل میگردد.

تحریر این سطور در حقیقت عکس العمل فکری و قضاوت یکی از خوانندگان و شهود این وبسایت هایی است که هزاران خواننده دارد که همه افغان هستند و یقین که تبصره و دید شان بعد از مطالعه چنین جدال و شاخ شکنی هایی که بر احترام متقابل سخت صدمه وارد می نماید، موجود است. عرض میشود که سطوری که مطالعه میفرمایید، هرگز به منظور طرف گیری و حمایت از یکی یا هر دو طرف متخاصم نمی باشد.

شکی نیست که انتقاد سالم و آموزنده در جهان مطبوعات رایج و روا بوده و نباید منتقد مورد اهانت و تحقیر قرار گیرد که متأسفانه برعکس، مشاهده میگردد که با عقده مندی های «خود بزرگ بینی» با اندک اشاره ای این یکی به سراغ طرف مقابل رفته و حق وی کف دستش گذاشته میشود. حتی می بینیم که وقتاً فوقتاً در بین نویسندگان مطرح و شناسا جرقه ای از «من و تو»، حریقی را سبب میگردد که آنسر آن نا پیدا می نماید و وقت و حوصلۀ خوانندگان را که به آرزوی مطالعه موضوع مهم و حتی آموزنده دلچسپی، در پوشش عفت قلم به وبسایت های افغانی آزاد رو می آورند، دقیقاً به تاراج میبرد. در حالیکه اگر هدف خود نمایی و برتری طلبی مطرح نباشد، میشود که در ایمیل

ها صد ها موضوع مورد مناقشه طرح و پیشکش گردد و حتی تعدادی را هم میتوان منحیث شاهد انتخاب نمود.

این جنابان که اولتر از همه هر سطری از تحریر و ادعای خویش را با خشونت عمداً یا نا خود آگاه مورد قضاوت هزاران خواننده این وبسایت و آن وبسایت قرار میدهند، لاجرم چون کاسه چینی که صدا میکند، با آبروی نویسنده طرف می‌گردد، حتی چهره کاملاً جدیدی از قلم بدستی که سال ها از خلال عقاید و آثار وی گمان میرفت که به کنه شخصیت قابل احترام وی پی برده اید، در ضمیر و قضاوت شما ظاهر می‌گردد و البته که فرموده حضرت سعدی بزرگوار هم صدق می نماید:

تا فرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

این رشته که به تدریج سر درازی پیدا مینماید، اکثراً از اصل موضوع مورد بحث کاملاً دور رفته و به توهینات و تهمت های غیر قابل باور و سخیف می پیوندد و به شدت ذهن خسته و قضاوت خواننده را به بازی می گیرد؛ مثلاً و طوریکه طرف ادعا مینماید که شخص طرف اهانت وی در ایام محصلی پوهنتون گویا به خواهران هم صنف نظر داشته و بعد داستانی را طوری بیان میدارد که به باور خواننده، گویا خود ناظر و شاهد ماجرا و دقیقاً در آن فضای علمی محصل بوده است و تا حدود نتیجه گیری پیش هم می رود! بعد تر با رد کامل ماجرا از جانب یک شاهد عینی واقعی سناریو، از الف تا یای آن تفصیلات باطل می‌گردد. حال، در چنین مشاجرات بی ارزشی، خوانندگان که دقیقاً آشنایی به قلم و سوابق طرفین دارند، جبراً محکوم به مطالعه جریاناتی گردیده اند که جز خس سر آب چیز دیگری نبوده است..... بعداً، البته خوانندگان منتظر صحنه دیگر این تیاتر، در جستجوی معذرتی به سراغ وبسایت ها میروند، ولی نتیجه با میلان «الله بلا بگردن ملا» ختم می‌گردد، یعنی سنگینی بار چنین «داستان خیالی» به گردن شخص موهوم و نامعلومی «!؟» می افتد که امکانات موجودیت وی در یک بحث منطقی میتواند دقیقاً سؤال برانگیز باشد.

از جانب دیگر، شکی نیست که عقاید انسان ها به مرور زمان در مورد مسائل ماحول آنان گاهگاهی در تغییر می باشد، ولی این چرخش عقیدوی نباید آنقدر شدید باشد که بر شناخت شخص، مهر دورنگی بزند و چنان است ماجرای قضاوت بر یک «قاموس» یا لغت نامه افغانی. درین ماجرا اگر انگشت انتقاد تاحدی بر محتویات آن صفحات است که زمانی ادعا گردد که: "..... در مورد درخواست همکاری در «قاموس»، به مسئول آن بیان داشتیم که در چنین موردی از هر سه لغت موجود باید دوی آن اول اصلاح گردد، بنا بر آن، همکاری درین زمینه عملاً امکان پذیر نمی باشد."

خوب، بعد از مدتی، نظر امروز شخص روی این قضاوت چنین است: تهیه این « قاموس » مفید یا، ضروری بوده و پیشرفت و سیستم آن صحیح و غنیمت بزرگیست!! درین جا ایراد بر محتویات « قاموس » نیست که در غیر آن مثنوی هزار من کاغذ میشود، بلکه چرخش عقیدوی شخصیتی هست که به وی و استقرار فکری او ارزشی قایل بوده ایم. **یک نکته درین معنی گفتیم و همین باشد.**

..... و لطفاً این قضیه را هم چون مثنوی نمونه خروار مطالعه فرمایید؛ در یکی ازین وبسایت هایی که به میدان جنگ جلای وطن مبدل گردیده است، من هیچمدان هم بدون اجازه و رضایت به دو جریان مطرح گشته ام. طوریکه ادعا میگردد که یکی از نویسندگان طرف مناقشه سالها قبل تحت اسم مستعار، گویا به من و خانم سنجیه کامرانی تهمت هایی بسته است. خوب! دروغ یا راست، این موضوع چه ربطی به دیگران دارد؟ مگس هر دوغ بودن از وقار آدمی می کاهد، مخصوصاً که اولاً مستعار نویس با استعمال یکی از اسمای تکراری کلاسیک «!؟» و آشنای خویش، مثل همیشه در صحنه نمایان میگردد و دایی مهربان تر از مادر میشود. بیچاره!

ثانیاً یکی از طرفین متخاصم به اعتبار آن قدم بر نقش گل آلود پای مستعار نویس مذکور گذاشته و قدمی فراتر رفته و طرف دیگر را به این متهم نموده که گویا ایمیل اینجانب را وی حک کرده و با دشنام و ناروا خانواده مرا در جریان گذاشته است..... یا الله! ای بسی احترامی که با چنین جفنگیاتی خاک میگردد! بدین طریق برائت دادن نا حق ایرانی پرست معلوم الحال و تحت امر و فرمان ربانی و شورای نظار به اسم قوی کوشان که عمل سخیف وی هیچ تعجبی هم نداشت، به میان می آید!! من ده سال قبل به همین دلیل ایمیل جدیدی اختیار کردم. **ده در کجا، درخت ها در کجا!**

تعجب آور است که در چنین جدال های ناروایی در بین قشر باسواد و ظاهراً فهمیده و قابل احترام لغزش هایی به ظهور میرسد که از باور بدور می باشد؛ طور مثال برجسته آن یکی هم تمسخر و انگشت گزاردن بر عیوب فیزیکی طرف مقابل است، در حالیکه ما بندگان پروردگار گاهی از بدو تولد با امراض یا کم رسی های جسمی و یا روانی متولد میگردیم و زمانی هم در طول حیات به آن ها مواجه میگردیم. اینکه ضعف باصره هم مورد انتقاد قرار گرفته و یا در جدال مطرح گردد، واقعاً درد ناک است. این حرکت یکبار دیگر چند سال قبل از جانب نویسنده دیگری صورت گرفت که باز هم مرا در جدالی حکم قرار داد و خوشحالم که وجداناً ضمیمه مکتوبی این خبط و سهو انسانی ناروا را تقدیم وی نمودم. پناه بر خدا!

حال از قهر و جدل های فرساینده جنگ جویان جلای وطن که بگذریم به دو موضوع دیگر تماس میگیریم که چون در جلای وطن سهم و مسئولیت وبسایت های افغانی در حفظ اصالت السنه ملی و

ترویج صحیح آنان نهایت مهم و ارزشمند است و برای نسل های افغان مطاعیست گرانبها، پس دقت و مسئولیت همگانی درین زمینه جائز شمرده میشود، تا نظر شما چه باشد:

در حله نخست باید عرض نمایم که «**ظاهراً**» اکثریت مردم افغانستان از تجاوز فرهنگی ایران برای تخریب لسان دری اصیل افغانستان که هیچ کمبود و نارسایی ای در نفس خود نداشته و محتاج صادرات لغت و اصطلاح بیگانگان نبوده و نیست، دلخور و بیزار اند. مخصوصاً که فرهنگستان آخوندی ایران با وقاحت تمام درجن درجن اختراعات جدیدی را در زمینه ادبیات خود شان و دری افغانستان ذریعه عمال و معاشخوران فراوانی که در میدیا و مطبوعات افغانی هم پراکنده اند، به شمول «**بیات و برادران محسنی**» و سردمدار وطن فروشی به نام «**اعظم رهنورد**» صدور و ترویج نموده است.

این استحاله خایانه به فرهنگ و اصالت دری ما و تغییر ذهنیت نسل جوان سخت صدمه وارد می نماید، که نسل ما باید در هر گوشه جهان از استعمال چنین لغات جدید و جانشین، جلوگیری نموده و ابا ورزد. یکی از مسخره ترین قسمت چنین اختراعاتی اصطلاحات و لغات نوپیداییست که عملاً از جانب ایران برای محو سهولت در افهام و تفهیم به سویه جهانی و استعمال اکثر اصطلاحات وسیع تخنیکی در لسان انگلیسی بکار برده می شود. در حالیکه حتی در افغانستان هم از قدیم اسمای وسایل تخنیکی چون همین رادیو، تیلیفون، تلویزیون، بایسکل، هیلی کوپتر، امبولانس و امثال آن در اجتماع ما کاملاً قبول شده و موارد استعمال قرار داشتند. امروز با ساحة وسیع اختراعات روز افزون و صنایع بیشمار و جهانی شدن و نزدیکی و ارتباطات عالم بشریت، مخصوصاً در ساحة انترنتی، نمیشود که به فرموده آخوند های ایران چرخ بال، ویراستار، رایانه، نرم افزار، و و و را ما افغان ها هم که هیچ مجبوریتی نداریم، استعمال نماییم.

با احترام و افری که به محترم «**سیدال هومان**» مدیر مسئول وبسایت «**آریانا افغانستان آنلاین**» و آزادی فکر و بیان دارم، حق این سؤال را برای خویش محفوظ نگه میدارم که که بپرسم که وبسایتی که مدت شش سال پیشگام و مبارز در راه ارزش های فرهنگی افغانستان مخصوصاً لسان دری ارزشمند و اصیل آن بوده است، در تشکیل و نو آوری جدید خود چرا بی موجب به اختراعات غیر ضروری و نا مأنوس و مردود ایران می پیوندد و در ذهن و فکر هموطنان آنان را تذریق می نماید؟! **طور مثال:** به ارتباط دریچه مناظرات میبینیم که: اصطلاح جدیدالاخترع (**رایانه - نامه برقی**) کاملاً جانشین «**ایمیل**» که استعمال و فهم جهانی دارد قرار گرفته است. جای دیگری اصطلاح نامأنوس

(عنکبوت نما) که من هیچ مدان اول بار به آن برخورد می نمایم و شاید منظور (WWW) باشد، به چشم میخورد که با کلمه دقیقاً جدیدی چون **(مرور گر؟)** قرار داده شده است.

محترمانه ازین برادر ما میپرسم که آیا قسمت مهم و مبارزوی **«حراست از زبان دری»** که همیشه درین سایت موجود بوده است، ارتباطی به استعمال این اصطلاحات نامأنوس ایرانی دارد یا نه؟ امید است از سوالات اینجانب نرنجند.

..... و منحصت کلام آخرین، محترم **«حمید انوری»** نویسنده و دانشمند افغان - مسئول وبسایت ملی **«استقلال - خیلواکی»** به تاریخ ۲۹ جولای تحت عنوان **«یک سوال ساده و بی پیرایه»** در مورد استعمال لغت کاملاً نامأنوس **«جبریت»** پرسشی را مطرح نمودند که اگر موارد استعمال و معانی احتمالی چنین لغتی که واضحاً در وبسایتی و در مبحث مهمی در یکی از مضامین بکار رفته بود، از جانب خوانندگان تشریح گردد. این هیچمدان که هرگز به چنان اصطلاح و یا لغتی برخورد ننموده بودم، لاجرم به سراغ لغت نامه ها و فرهنگ های مختلفه رفتم و دست خالی برگشتم. از قضاء یکی از هموطنان محقق و دانشمند که آقای **«نجیب سخی»** باشند، روشنی کافی و مستدلی در زمینه تجاوز و اختراعات فرهنگی و عدم موجودیت و یا استعمال کلمه **«جبریت»** ابراز داشتند که نه تنها جوابگوی سوال مهم آقای **«حمید انوری»** گردید، بلکه معلومات آفاقی ای که پیشکش نمودند، واقعاً آموزنده و مفید بود که اینجانب دقیقاً از ایشان تشکر می نمایم.

حال، انگیزه بوجود آوردن چنین لغتی که به سادگی میشد **«اجبار محیطی»** و یا **«مجبوریت محیطی»** را در عوض **«جبریت محیطی»** به سادگی به کار برد، چه بوده میتواند؟ خداوند عالم است، مگر اینکه مرض اختراع لغات در خود محیط اجتماعی افغانی هم سرایت نموده باشد که از امکان بدور نیست.

پایان